

باسمه تعالی

سلام

آنچه که اکنون در دست دارید، بخشی از کلمات و جملات کتاب ارجمند «نهج البلاغه» است، که به صورت ساده و مختصر برای شما فراهم گردیده اما با همه کوچکی اش، محتوای آن به وسعت دریاها، بیکرانه، و به عظمت کوههای سر به فلک کشیده است.

این کلمات و جملات، مانند دانه‌های مروارید درخشان، که از اعماق دریایی سرشار از مرواریدهای ناب به دست آمده، مخصوص شما نوجوانان عزیز انتخاب شده تا با بیانی ساده برای شما به آسانی قابل درک و آموختن باشد. و از این راه، شما عزیزان را، با کتابی که پس از قرآن، عالیترین و گرانقدرترین کتاب انسان سازی است، آشنا سازد.

آشنایی با نهج البلاغه

نهج البلاغه، کتاب ارزشمند و بی‌همتایی است که دربردارنده برخی از سخنان و کلمات گهربار امام علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد. کتاب نهج البلاغه در سه فصل جداگانه به ابتکار و ذوق علامه سید رضی (ره) تنظیم گردیده است.

فصل اول:

خطبه‌ها، مجموعه سخنرانی‌های دلنشین و شورانگیز امام علی علیه‌السلام که شامل ۲۴۱ خطبه است.

فصل دوم:

نامه‌ها، (مجموعه نامه‌های امام بزرگوار به دوستان، دشمنان، استانداران، فرمانداران نظامی و دیگر مسوولان کشوری و...) که شامل ۷۹ نامه می‌باشد.

فصل سوم:

کلمات کوتاه و جملات زیبایی حکمت‌آمیز، که مجموعاً ۴۸۰ کلمه می‌باشد. نهج البلاغه یعنی راه و روش شیوایی گفتار و رسایی کلام که بعد از قرآن دومین کتاب شیعیان می‌باشد.

شناسنامه نهج البلاغه

نام: نهج البلاغه

تاریخ تولد: سال ۴۰۰ - ه. ق

محل تولد: محله کرخ در بغداد

صاحب کتاب: حضرت علی علیه السلام امام اول مسلمین

گردآورنده: سید رضی (ره) از علماء قرن چهارم

مدت جمع‌آوری: ۲۰ سال

مدت عمر: بیش از ۱۰۰۰ سال

تعداد خطبه‌ها: ۲۴۱ خطبه

تعداد نامه‌ها: ۷۹ نامه

تعداد کلمات کوتاه: ۴۸۰ کلام

گوهرهای ناب

تعدادی از جملات زیبا، آسان و دلپذیر از قسمت حکمت‌ها و سخنان کوتاه نهج البلاغه آماده شده است که ما با به خاطر سپاری و عمل به آنها می‌توانیم شیوه‌های زندگی فردی و اجتماعی خود را بیاموزیم و اصلاح کنیم.

۱- دوستی و خردمندی

«التَّوَدُّدُ نِصْفُ الْعَقْلِ» حکمت ۱۳۵
دوستی و مهربانی با مردم، نیمی از عقل است.
شرح: یکی از راههائی که ما می‌توانیم تشخیص دهیم چه کسی عاقل و چه کسی نادان است، همین است که ببینیم آیا شخص مورد نظر، با مردم دوستی و محبت می‌کند، یا با هیچ‌کس از دل مهر و محبت و دوستی وارد نمی‌شود.
از آنجا که دوستی و محبت با مردم، یکی از مهمترین نشانه‌های عقل و شعور است، امام علیه‌السلام، برای دوستی ارزش فراوانی قائل شده است، تا جائی که فرموده است: همین که شخصی با مردم دوستی و محبت کند، نشانه آن است که دست کم، نیمی از عقل طبیعی یک انسان در او وجود دارد.

۲- بزرگترین عیب

« أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تُعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ » حکمت ۳۴۵

بزرگترین عیب آن است که: عیبی را که خود نیز دارای، در دیگران، عیب بشماری.
شرح: کسانی هستند که عیب و ایرادی را که در اعمال و رفتار خودشان وجود دارد، نمی‌بینند و به حساب نمی‌آورند، اما همین که آن عیب را، در شخص دیگری ببینند، زبان به عیبجویی و انتقاد باز می‌کنند، و همه جا و پیش همه کس، از عیب آن شخص سخن می‌گویند.

امام علیه‌السلام می‌فرماید: این خود، بزرگترین عیب است که تو، عیبی را در مردم ببینی و آن را زشت و ناپسند بشماری و زبان به انتقادش بگشایی، در حالیکه خودت نیز، شبیه همان عیب را داشته باشی، ولی به آن توجه نکنی.

۳- همه کاره، هیچ کاره

«مَنْ أَوْمَأَ إِلَى مُتَفَاوِتِ خَدَلْتَهُ الْهَيْلُ» حکمت ۳۹۵

کسی که به کارهای پراکنده بپردازد، از یافتن راه حل صحیح برای آنها ناتوان می‌ماند.
شرح: یک ضرب‌المثل فارسی، که به پیروی از کلام امام علیه‌السلام، در زبان ما پیدا شده است می‌گوید: همه کاره، هیچ‌کاره‌اند!
یعنی انسان عاقل کسی است که: به جای آن که فکر و وقت خود را تلف کند و از هر کاری، مقدار کمی یاد بگیرد، نیروی خود را صرف یادگیری و انجام یک کار کند تا هم در زندگی شخصی موفق شود، و هم وجودش برای جامعه فایده بیشتری داشته باشد.

۴- احترام معلم

«لَا تَجْعَلَنَّ ذَرْبَ لِسَانِكَ عَلَى مَنْ أَنْطَقَكَ وَ بَلَاغَةَ قَوْلِكَ عَلَى مَنْ سَدَّكَ» حکمت ۴۰۳

تیزی و برندگی زبانت را، به سوی کسی که تو را سخنگو ساخته است مگیر، و رسایی گفتار و قدرت بیان خود را، بر ضد کسی که به تو قدرت گفتار آموخته است، بکار مبر.
شرح: یعنی هرگز نباید تیزی و برندگی زبان خود را بسوی پدر و مادر، یا خواهر و برادر بزرگتر، یا هر کسی که در راه به سخن آمدن ما زحمت کشیده است، بگیریم. و همچنین هیچ‌گاه نباید رسایی کلام و قدرت بیانی را که از معلم و یا شخصی دیگری آموخته‌ایم، بر ضد خود او بکار ببریم. زیرا، چنین کاری ناسپاسی است، و در اسلام، ناسپاسی، زشت و ناپسند شمرده می‌شود.

۵- ادب آموزی از بی‌ادبان

«كَفَاكَ مِنْ عَقْلِكَ مَا أَوْصَحَ لَكَ سَبِيلَ غَيْبِكَ مِنْ رُشْدِكَ» حکمت ۴۱۲

برای آنکه ادب و آراستگی داشته باشی، همینقدر بس است که از انجام آنچه در دیگران نمی‌پسندی، دوری کنی.

شرح: امام علیه‌السلام، تمام راهها و روشهایی که برای ادب و آراستگی و تربیت جامعه ممکن است بوجود آید، ۱۴۰۰ سال پیش از این، در یک جمله کوتاه و بسیار عمیق و پر معنی، خلاصه فرموده‌اند. و آن این است که: اگر می‌خواهی مؤدب و آراسته و دارای اخلاق نیکو باشی، لازم نیست که راههای

دشواری را طی کنی . بلکه فقط کافی است هر کاری که دیگری انجام داد، و تو متوجه شدی که کار زشت و ناپسندی کرده است، خودت آن کار را انجام ندهی. به این ترتیب تو تمام کارهای زشت و ناپسندی که ممکن است کسی انجام دهد، از وجود خودت دور خواهی کرد، و در نتیجه مبدل به شخصی خواهی شد که هیچگونه زشتی و ناپسندی، در و جودش پیدا نمی‌شود .

۶ - غیبت: کار ناتوانها

«الغِيْبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ» حکمت ۴۵۳

غیبت کردن، آخرین تلاش آدم ناتوان است .

شرح : یک مسلمان مؤمن واقعی، اگر نسبت به کسی ایراد و انتقادی داشته باشد، باید بر اساس جرأت انسانی و اخلاق اسلامی، رو دروی آن شخص، ایراد و انتقاد خود را بر زبان آورد، بدون ترس و واهمه، او را امر به معروف و نهی از منکر کند . کسی که غیبت میکند، بدون شک آدم ناتوان و بی جرأتی است. زیرا همینکه می‌نشیند و پشت سر دیگران بد گویی می‌کند، نشان می‌دهد که جرأت ندارد با آن افراد روبرو شود، و حرف خود را، پیش روی آنها بر زبان آورد. و چون در خود، قدرت و جرأت روبرو شدن با آن افراد را نمی‌بیند، آخرین تلاشی که می‌توان بکار ببرد، این است که به وسیله بد گوئی کردن در پشت سر، انتقام خود را از آنها بگیرد و به اصطلاح دل خود را خنک کند .

۷ - ایمان و راستگویی

«عَلَامَةُ الْإِيمَانِ أَنْ تُؤَثَّرَ الصِّدْقَ حَيْثُ يَضْرُكُ عَلَى الْكَذِبِ حَيْثُ» حکمت ۴۵۰

نشانه ایمان، آن است که: راستگویی را، اگر چه به تو زیان برساند، مقدم بداری .

شرح : یعنی کسی که دارای ایمان محکم و راستین است، نشانه‌هایی دارد، که بوسیله آنها، می‌توان او را، از افراد بی‌ایمان، بازشناسی کرد .

یکی از نشانه‌های مسلمان و مؤمن واقعی آن است که : شخص مؤمن، سود واقعی را در اطاعت از دستورات خدا، زیان واقعی را، در اطاعت نکردن از دستورات خدا می‌داند، از آنجا که خداوند به ما دستور داده است که همیشه راست بگوئیم و از دروغگوئی پرهیز کنیم، مسلمان باایمان نیز، هرگز حاضر نمی‌شود بر خلاف این دستور رفتار کند. تا جایی که حتی اگر زمانی، راست گفتن به زیانش باشد و دروغ گفتن به او سود برساند، از سود دروغ گفتن چشم می‌پوشد، و زیان راست گفتن را به جان می‌پذیرد، و لب به دروغگویی باز نمی‌کند. زیرا مؤمن، سود و زیان واقعی را نزد خدا می‌داند و بس .

۸ - چه بسا که یک بار خوردن

«كَمْ مِنْ أَكْلَةٍ تَمْنَعُ أَكْثَاتٍ» حکمت ۱۶۲

بسا که یک خوردن چیزی، تو را از خوردن بسیاری از خوردنیهای دیگر، محروم می‌کند.

شرح : این سخن امام علیه‌السلام، به ما می‌آموزد که: در هر کاری، باید به عاقبت آن هم بیندیشیم و صلاح خود را تشخیص دهیم. یعنی اگر دیدیم، در کاری، با یکبار استفاده کردن، چندین استفاده بعدی را از دست می‌دهیم، باید از انجام آن کار خودداری کنیم مثل پرخوری و...

۹- میان‌رو تنگدست نمی‌شود

«مَا عَالَ مَنْ أَقْتَصَدَ» حکمت ۱۴۰
کسی که در خرج کردن میان‌روی کند، تنگدست نمی‌شود.
شرح : سخن امام علیه‌السلام نیز به ما می‌آموزد: انسان، هر قدر هم که در آمد زیاد داشته باشد، اگر در خرج کردن اندازه نگه ندارد، در آمدش تمام می‌شود، و خودش نیز تنگدست و محتاج می‌شود، اما کسی که عقل معاش دارد پولش را به اندازه خرج می‌کند، هیچگاه تنگدست و محتاج نخواهد شد.

۱۰- تندخویی دیوانگی است

«الْجِدَّةُ ضَرْبٌ مِنَ الْجُنُونِ لِأَنَّ صَاحِبَهَا يَنْدَمُ فَإِنْ لَمْ يَنْدَمْ فَجُنُونُهُ مُسْتَحْكِمٌ» حکمت ۲۴۷
تندخوئی یک نوع دیوانگی است، زیرا تندخو پشیمان می‌شود، و اگر پشیمان نشود، دیوانگی‌اش پابرجا و پایدار شده است.

شرح : شخص تندخو، نمی‌تواند بر اعصاب خود مسلط باشد، و اعمال و رفتار خود را مهار کند. در نتیجه، هنگام خشم و تند خوئی، دست به کارهایی می‌زند که عقل سالم انجام آن را نمی‌پذیرد: زبان به بی ادبی و فحاشی می‌گشاید، دست به شکستن و پاره کردن و دور ریختن چیزهای مختلف می‌زند. با دیگران نزاع و کتک کاری میکند و باعث زخم و جراحت خود یا دیگران می‌شود چه بسا دیده شده که خشم و تند خوئی یک نفر، باعث نزاع دسته جمعی خانواده و دوستانش شده، و سرانجام در میان آنها جنایت و فاجعه‌ئی رخ داده. یا زبان و خسارت جبران‌ناپذیر دیگری پیش آمده است .
وقتی شخص تندخو، در حالت خشم به سر می‌برد و باعث ایجاد چنین مشکلات و مصیبت‌هایی می‌شود، حالت او شبیه نوعی دیوانگی است. زیرا او هم، در آن لحظات، مانند دیوانگان، بر اعصاب خود تسلط ندارد و متوجه نیست که مرتکب چه کارهایی می‌شود.

۱۱- حکمت‌های ایمان : نماز

«فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشَّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ وَالزَّكَاةَ تَسْبِيهاً لِلرِّزْقِ وَالصِّيَامَ اِثْبَاتاً لِإِخْلَاصِ الْخَلْقِ وَالْحَجَّ تَقْوِيَةً لِلدِّينِ وَالْجِهَادَ عِزاً لِلْإِسْلَامِ وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَوَامِّ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعاً لِلسُّفْهَاءِ وَ...» حکمت ۲۵۲

خداوند، ایمان را برای پاک شدن دلها از آلودگی کفر و شرک، و نماز را برای پاک بودن از سرکشی و نافرمانی واجب کرد، زکات را وسیله‌ای برای روزی مستمندان، و روزه را وسیله‌ای برای آزمایش اخلاص بندگان قرار داد، حج را برای نیرومند شدن دین، و جهاد را برای شکوه و سربلندی اسلام واجب ساخت، امر به معروف را بخاطر اصلاح توده نا آگاه مردم، و نهی از منکر را برای باز داشتن افراد بی‌خرد، از کارهای زشت و گناه آلود مقرر کرد.

شرح: امام علیه‌السلام در این جمله‌های کوتاه و پر معنی، فلسفه ایمان، نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، امر به معروف، و نهی از منکر را تشریح فرموده، و درباره واجب بودن هر یک، توضیحی دقیق و عمیق داده است.

۱۲ - در دوستی و دشمنی اندازه نگهدار

« أَحِبِّ حَبِيبَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِيضَكَ يَوْمًا مَا وَ أْبْغِضْ بَغِيضَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا مَا » حکمت ۲۶۸

در دوستی با دوست خود اندازه نگهدار، بخاطر آنکه شاید روزی با تو دشمن شود، و در دشمنی با دشمن خود اندازه نگهدار، بخاطر آنکه شاید با تو دوست شود.

شرح: در دوستی و دشمنی نیز، همچون مسائل دیگر، باید میانه‌روی کرد و اندازه نگه‌داشت. چون زیاده‌روی در دشمنی و یا دوستی نیز، ممکن است زیان‌هایی متوجه ما سازد، که دیگر قابل جبران نباشد. وقتی با کسی دوست می‌شویم، نباید در معاشرت با او آن‌قدر زیاده روی کنیم، که بیش از اندازه به حریم زندگی ما نزدیک شود، و تمام اسرار ما را بداند. زیرا ممکن است روزی بین ما اختلافی پیدا شود و آن دوست، بصورت دشمن ما درآید. در آن صورت، او، چون تمام اسرار ما را می‌داند و از آنچه در حریم خانواده ما می‌گذرد آگاه است، می‌تواند از دانسته‌های خود، بر ضد ما سوء استفاده کند، و ضربه‌هایی به ما بزند، که دیگر قابل جبران نباشد.

در دشمنی نیز باید میانه رو باشیم و اندازه نگه داریم. یعنی نباید دشمن را آنقدر اذیت و آزار کنیم، و آنقدر درباره‌اش سخنان زشت و زننده بگوییم، که اگر روزی بایکدیگر دوست شدید، به خاطر کارها و حرفهای خود، شرمنده و خجل باشیم.

۱۳ - زبان عاقل و زبان احمق

« لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَ قَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ » حکمت ۴۰

زبان عاقل، پشت قلب او قرار دارد، و قلب احمق، پشت زبان او جای گرفته است (عاقل، با اندیشه سخن می‌گوید و نادان بی‌فکر)

شرح: انسان عاقل، وقتی بخواهد سخن بر زبان آورد، نخست به دل و اندیشه خود مراجعه می‌کند، معنی آن سخن و نیکی یا بدی آن را با عقل و شعور خود می‌سنجد، نتیجه‌ی را که ممکن است از آن حاصل شود حساب می‌کند، و هنگامی که به درستی و خوبی سخن خود اطمینان یافت، آن را بر زبان می‌آورد.

پس عاقل، قلب و اندیشه‌اش را پیش از زبانش به کار می‌اندازد، و زبانش را پشت سر عقل و شعور خود نگاه می‌دارد .

اما احمق، بر عکس رفتار می‌کند. یعنی هر سخنی که به زبانش آمد، نسنجیده و بدون فکر و اندیشه بیان می‌کند، و پس از آن که سخن او، در دیگران، تأثیر بد گذاشت، تازه بفکر می‌افتد که آیا سخنش درست بوده یا نادرست. یعنی احمق، نخست زبان خود را به کار می‌اندازد و نسنجیده حرف می‌زند، و بعد از آن، به قلب و عقل خود مراجعه می‌کند و در باره نیک و بد سخن خود و نتیجه و حاصل آن می‌اندیشد. به همین دلیل است که خردمندان، از قدیم گفته‌اند: سخنی که درباره آن کاملاً فکر نکرده‌ای، بر زبان می‌آور.

۱۴ - آخرت، نتیجه دنیا

«أَعْمَالُ الْعِبَادِ فِي عَاجِلِهِمْ نُصَبُ أَعْيُنِهِمْ فِي آجَلِهِمْ» حکمت ۶

ترجمه: کارهایی که بندگان در این دنیا انجام می‌دهند، روز قیامت، در برابر چشمه‌ایشان خواهد بود. امام علیه‌السلام، چنین خبر می‌دهد که: هر کاری که بندگان، در دنیا انجام می‌دهند، خداوند با تمام جزئیاتش ضبط و حفظ می‌کند. و در روز قیامت، تمام آن کارها را، که در نامه عمل هرکس محفوظ مانده است، جلوی چشم بندگان مجسم می‌سازد، و بدانند که خداوند، هر کس را، به - نسبت اعمال نیک و یا بدش، پاداش یا کیفر می‌دهد .

و در آن روز، سخت‌ترین عذابها، برای کسانی است که کارهای بدی که در این دنیا انجام داده‌اند، در آن دنیا مقابل چشمشان مجسم می‌شود.

۱۵ - پرهیز از جایگاه تهمت

«مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهْمَةِ فَلَا يَلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ» حکمت ۱۵۹

کسی که خود را در معرض بد نامی و جایگاه تهمت قرار می‌دهد، نباید کسی را که به او گمان بد می‌برد، ملامت کند.

شرح: یکی از دستوره‌ای اسلامی این است که: مسلمان مؤمن نباید فقط به این که کار بد نمی‌کند و حرف بد نمی‌زند، راضی و خشنود باشد. بلکه باید از شنیدن حرف بد و دیدن کار بد نیز خودداری کند،

یا اگر در جایی کارهای گناه آلود انجام شود، نباید در آنجا درنگ کند. اگر چنین کند، نباید کسانی را که به او بدگمان شده و تهمت زده‌اند، ملامت کند. زیرا، تقصیر از خود اوست، که با قدم گذاشتن به چنان مکانهایی، در دل دیگران، نسبت به خود بدگمانی ایجاد کرده است.

۱۶- فرصت را از دست ندهیم

«إِصَاعَةُ الْفُرْصَةِ غَضَّةٌ» حکمت ۱۱۴
از دست دادن فرصت، مایه غم و اندوه است.
شرح: عمر انسان کوتاه و زودگذر است، و فرصتهای زندگی کوتاه‌تر و زودگذرتر از آن. هر روزی که از عمر انسان می‌گذرد، تعدادی از فرصتهای زندگی او نیز برای همیشه از دست می‌رود و نابود میشود. به همین دلیل است که انسان باید هر فرصتی را که پیش می‌آید، غنیمت بشمارد و از آن بهترین استفاده را بکند. و گرنه، از دست دادن فرصت، مایه غم و اندوهی می‌شود که به هیچ قیمتی، قابل جبران نخواهد بود.

۱۷- ناتوان تر از ناتوان ترین

«أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ وَأَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفِرَ بِهِ مِنْهُمْ» حکمت ۱۱
ناتوان‌ترین مردم کسی است که در بدست آوردن دوست، ناتوان باشد، و ناتوان‌تر از او، کسی است که دوست بدست آمده را، از دست بدهد.

شرح: علی علیه‌السلام می‌فرماید: یکی از نشانه‌های قدرت روح و توانایی اخلاق، این است که انسان بتواند با اخلاق خوب و رفتار انسانی و مناسب، برای خود دوستان زیادی پیدا کند. پس کسی که نمی‌تواند برای خود دوست صمیمی و خوبی پیدا کند، از لحاظ روحی و اخلاقی، عاجز و ناتوان است. اما، ناتوان‌تر از او، کسی است که دوستی را پیدا کرده، نتواند برای همیشه نگه دارد. یعنی با رفتار بد و اخلاق نامناسب خود، دوستان بدست آمده را، از دست بدهد و در زندگی اجتماعی، تنها بماند. زیرا نگهداری دوست، دشوارتر از بدست آوردن دوست است. یعنی برای حفظ دوستان بدست آمده، بیش از یافتن دوستان جدید، قدرت روحی و اخلاق لازم است.

اداره قرآن عترت و نماز

اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان